

تقریر دفتر استاد سید کاظم مصطفوی «زید عزه العالی» از درس خارج فقه  
استاد سید کاظم مصطفوی؛ 1390/02/04



#### یادآوری اقوال در فاره مسک

درباره حکم فاره مسک بحث می کردیم گفتیم سه تا قول وجود دارد قول اول عبارت بود از حکم به طهارت مطلق قول دوم عبارت بود از حکم به نجاست مطلق قول سوم تفصیل بین فاره مسکی که از اهوی زنده گرفته شود محکوم به طهارت است و فاره مسکی که اهوی میته گرفته شود محکوم به نجاست است اعظمی از فقها هم این قول را پذیرفته اند ادله اقوال به فصل (طهارت فاره حیوان زنده و نجاست فاره حیوان مرده) اما ادله اثبات قول به فصل این قول که عبارت است از حکم به طهارت فاره ای مسکی که از حیوان زنده در حال حیات حیوان جدا می شود و حکم به نجاست به ظبی که بعد از مردن در حالی که حیوان میته باشد آن فاره مسک از آن بگیرند که در این صورت حکم نجاست است

#### دلیل قول به نجاست فاره اهوی مرده

دلایلی بر این قول به تفصیل همان صحیحہ علی بن جعفر و صحیحہ عبدالله بن جعفر به این معنا که از صحیحہ اول حکم طهارت فاره مسک که از حیوان در حالت حیات گرفته شده باشد استفاده می شود و از صحیحہ دوم صحیحہ عبدالله بن جعفر حمیری از امام عسکری (علیه السلام) حکم به نجاست فاره مسکی که از میته گرفته شده باشد استفاده می شود طریقه استفاده از صحیحہ کتاب وسائل جلد 3 باب 41 حدیث 1 در آن صحیحہ این جمله آمده بود که پس از سوال از اینکه مصلی اگر در جیب خودش فاره مسک را حمل کند چه حکمی دارد امام فرمود لا باس بذلک اشکالی ندارد بررسی دلایلی صحیحہ عبدالله بن جعفر حمیری

وجه استدلال به این صورت است که این سوال و جواب ظاهرش مربوط است به سوال از نجاست و طهارت فاره مسک که این سوال و این گونه شرط متعارف است اما سوال از جواز حمل نجس و عدم جواز حمل نجس یک سوال فقهی دقیق تقریباً غیر متعارف می شود

سائلين از متشرعه است لذا فهم اصحاب هم مبني بر همين معناست كه منظور از سوال شك در نجاست و طهارت فاره مسك است و مي توان با جرات گفت كه اين سوال با اين تنسيق ظهوري در اين معنا دارد يعني سوال در نجاست و طهارت فاره مسك است و از سوي ديگر گفته شد كه و اين درست هم هست سيد الاستاد (ره) فرمودند كه فاره مسك انصراف دارد به همان اغلب و معمولش اغلب و معمول اين است كه فاره مسك از اهوآن بيابان در دل صحرا در گوشه كنار صخره ها به جاي مي ماند و مردم باديه نشين براي به دست آوردن اين متاع ارزشمند احيانا با جديت تمام ان مناطق گذرگه اهوآن را جستجو مي كنند از چند قدمي بوي خوش فاره مسك استشمام مي كنند و به دست مي آورند ان محصول ارزشمند را و متعارف بين مردم و مورد انصراف هم هست بنابر اين اين صحيحه دلالت دارد كه فاره مسك كه از حيوان در حال حياتش به جاي بماند نجس نيست سيد صاحب مدارك كه مي گفت اطلاق دارد كل فاره مسك از حيوان حي و ميت پاك است ما مي گوييم انصراف دارد به فاره گرفته شده است از حي دو قدر متيقن است سه شموليتش به فاره ميته مانع دارد كه مانعش همان ميته بودن اوست و اما عنصر يا بخش اول از دو بخش تفصيل كه ثابت شد باقي ماند بخش دوم كه عبارت است از حكم به نجاست فاره مسكي كه از ميته گرفته شود دليل بر نجاست اين فاره مسك ميته صحيحه عبدالله جعفر حميري باب 41 از ابواب لباس مصلي حديث 2 كه در ان صحيحه آمده است لا باس ان كان زكيا اين حديث را بايد توجه كنيم تا وجه استدلال برايمان روشن بشود گفته شد از بيان بسيار دقيق و پر محتواي سيد الاستاد (ره) استفاده كرديم و خلاصه اش اين بود كه اين حديث براي استدلال نسبت به اثبات نجاست اشكال دارد

برگشت ضمير كان در روايت

اشكال اولش اين است كه ان كان زكيا ضمير كان كجا مي رود خدا مي داند مرجع مشخص نيست ظبي در متن نيامده اگر آمده بود و ارجاع به ظبي مي شد بحث مسير طبعيش را طي مي كرد اما اگر ضميري را اگر ذكر كنيم كه مرجعش معلوم نباشد خلاف قاعده بيان است باعث ابهام عند المخاطب مي شود بيان اين است كه مخاطب كلام را بفهمد ضمير آمده مي گوييم ان مرجع معلوم نيست مخاطب چگونه بفهمد مخالف قاعده بيان است اين اشكالي كه سيد فرموده بود اشكالي است از لحاظ ادبي و بلاغي صورت و شكل خوبي دارد ابتداء اما در ادبيات يك قدم جلو تر كه حركت كنيم مي بينيم سر اشكال در ضمير بدون مرجع اين است كه ابهام پيش مخاطب بوجود بيايد اما اگر جايي كه قرينه قطعيه وجود داشته باشد مخاطب بداند متعلق بحث چيست موضوع محوري در سوال وجود داشته باشد در اين صورت ذكر و حذفه سيال پيش مخاطب معلوم است در اين سوال كه پرسش از فاره مسك به ميان آمده متعلق ظبي است ابهامي در ان نيست تا بگويد ان كان زكيا به قول ما طلبه ها خودش مرجع خودش را پيدا مي كند اشكال ارجاع ضمير بدون ذكر مرجع پيش نمي آيد بنابر اين منظور از ان كان زكيا قطعا ظبي است

معناي تزكيه در روايت

مضافا بر اين سيد الاستاد (ره) با ان جلالت شان و سكان داري كشتي اصول فرمود كه زكي ممكن است پاكي ذاتي باشد ما با كمال خضوع عرض مي كنيم تزكيه در باب حيوانات معناي ثبت شده دارد تزكيه در باب لحوم و جلود ذبح شرعي در برابر موت بدون ذبح شرعي است

بنابراین این تزکیه هم قرینه ای است که بر اینکه ضمیر مرجعش ظبی است پس صحیحه دلالت دارد بر اینکه اگر ظبی و اهو مزکی باشد در آن صورت فاره مسکش طبیعتا پاک است و طبق قاعده است

نتیجه (تزکیه در برابر میته است نه در برابر حیوان زنده)

نتیجه ای که به دست می آوریم این است از این بیان استفاده می کنیم که اگر اهو میته باشد فاره مسکش نجس است اما فاره از حیوان زنده چه حکمی دارد این بیان متعرض آن حکم نیست در آن جهت اصلا قرار ندارد بنابراین آنچه به دست آمد از صحیحه دوم همان طور که سید الاستاد (ره) در بحث دیروز از فرمایشاتش استفاده کردیم که تزکیه در برابر میته است در برابر حیوان حی نیست نتیجه این می شود که فاره مسک حیوان مزکی پاک است اما فاره مسک حیوان حی ربطی به این تعبیر ندارد چه حکمی دارد نیاز به دلیل دیگر دارد که از صحیحه اول حکمش را استفاده کردیم این دو تا حکم که تفصیل به حساب می آید از این دو تا صحیحه به طور وضوح استفاده می شود موید بر مطلب هم سیره عقلاست اشکالات و پاسخ آن

سوال و جواب آن را دیروز گفتیم فاره مسک را سید می فرماید زکی بودنش ممکن است به این عنوان باشد که در صورتی که فاره مسک پاکی ذاتی داشته باشد و نجاستی بر آن عارض نشده باشد یک خونی از بدن نچیکده باشد یا با چیزی نجس نشده باشد پاک اگر باشد درست است منظور این است که اگر شما ضمیر بردید به فاره مسک دیگر ضمیر به ظبی نبرده ظبی را نگفته زکی بلکه فاره زکی باشد در صورتی که خود فاره که زکی نیست و ذبح شرعی که نیست

سوال و جواب آقای فاضل می گوید زکات و تزکیه فاره ملازمه دارد با اینکه ظبی تزکیه شده باشد ببینید سید الاستاد (ره) می فرماید که اگر ضمیر کان به ظبی برود که تزکیه هم به آن تطبیق می کند و تمام فاره مسک تزکیه اش می شود ضمنی تزکیه ظبی ملازمه دارد با تزکیه فاره مسک اما فاره مسک اینجا اگر برود تزکیه فاره مسک مثل تزکیه خود ظبی نیست چون تزکیه خود ظبی ذبح شرعی است مسک را کسی ذبح شرعی نمی کند پس بشود معنای تزکیه لغوی پاکی طهارت ذاتی داشته باشد الوده نشده باشد

سوال و جواب مبنا و بحث قبلی الان شما مسکوت عنه بگذارید در سوال و جواب مربوط می شود که اهو که فاره مسک به جای می گذارد این اهو مزکی باشد یا میته باشد اگر مزکی بود پاک است اگر میته بود پاک نیست سید الاستاد (ره) می فرماید که مزکی در برابر میته است اما خود حیوان که زنده باشد در این باب که فاره گفته شود اینجا مزکی در برابر میته است به میته اش فاره می گوید سوال در این است اما نسبت به خود حیوانی که در حال حیات باشد جمود بکنیم این بیان بیشتر از این را دلالت ندارد قدر متیقن این است که این مقدار استفاده می کنیم و اگر بر مبنای تحقیق غیر مزکی مطلقا اطلاّـقش مانع دارد که صحیحه اول باشد از لحاظ نصوص دلالت کامل آن هم با شکل بسیار خوب که آن نکته ایجاب حکم به طهارت را صحیحه اول پشتیبانی می کند نکته منفي حکم به نجاست را صحیحه دوم قطعاً این دو تا حکم استفاده می شود

سیره عقلا در استفاده از مسک

بحث در فراتر از این است که گفتیم مانع دارد یا حداقل مورد شک و تردید سیره عقلا از دیر

باز از زمان پیامبر خود حضرت رسول (صلي الله عليه و اله) از مسک و مشک استفاده مي کرد از ان زمان فاره مسک مورد استفاده مردم بود و معمولا به دست آوردن مسک در داخل همان ظرفش که گفتيم فاره پوسته اي است خشک شده که مسک در داخلش هست همچون گوهری در صدف که معمولا برداشت مي شده و یک نوع بهره برداري از مواهب طبيعت بوده از زمان پیامبر تا الان جريان دارد الان هم مواد خوش بو کننده زياد شده اما در جمع افراد کاخ نشين و ثروت مند مخصوصا عربهاي زمام دار و شاهان و پادشان الان هم بايد فاره مسک آورده شود واز ان استفاده کنند و اين سيره از سوي معصوم رد نشده که تايبید هم شده است از اين نصوص تايبید فاره مسک استفاده مي شود که دال بر طهارت تايبید شده و چیزی درباره نجاست فاره بيان نشده بنابراین امضاست سیره هست و امضا اما سيد الاستاد (ره) مي فرمايد که حکم نیاز به نص ندارد طبق قاعده است قاعده عدم وجود دليل بر نجاست فاره مسک را مي فرمايد مثل ثمره درختي است بين مردم معمول بوده دليل بر نجاست اجزاي مبانیه از حيوانات اختصاص دارد به موارد خودشان که دو مورد بود حباله صيد که دست و پاي صيد را قطع کنند و طناب يا دام و قطع اليات غنم که دم و گوش و گوشت اضافي و بيضه اينها را مي برند براي سلامت غنم کلا تحت عنوان اليات خوب ان را دیديم اختصاص به مورد خودش دارد ربطی به فاره مسک ندارد بنابراین فاره مسک همچون بار بر طبيعي از یک حيوان دليل بر نجاست هم نداشت اصاله الطهاره هم که هست طبق قاعده محکوم به طهارت است و همین طور فاره مسکی که از حيوان ميتة گرفته شود محکوم به نجاست است طبق قاعده تبعیت اجزاي ميتة از خود ميتة بلکه گفته مي شود که نیاز به تبعیت ندارد بلکه اجزاي ميتة در حقیقت خود ميتة است منهاي ما لا تحله الحياه بنابراین حکم به تفصيل همان طور که در متن آمده و سيد الاستاد (ره) هم تايبید کردند و سيد الحکيم (ره) مي فرمايند درست و صحيح هست و بلا اشکال مطلب کامل شد یک نکته باقي ماند قول جديد راي جديدي امام خميني (ره) در اين رابطه اعلام مي کند اين را ببينيم که تا چه اندازه مي توانيم بفهميم و اتباع کنيم مشهور که گفتم براي ان همان بود که گفته شد اعظام از فقها اين فقها که اسم بردم مضافا بر علامه و شهيد رايشان اين است هر وقت راي شهيد را دیديد راي ايشان نشانه راي مشهور از طريق نصوص و از طريق قواعد تمام امام خميني (ره) مي فرمايد که فاره مسک دو حالت دارد حالت اولي که در بدن حيوان قرار دارد وليکن از پوست و جسم حيوان جدا نشده يعني استقلال وجودي ندارد جزپوست بدن حيوان به حساب مي آيد در اين صورت مي فرمايد نجس است و در صورت دوم که اين فاره مسک ولو در از نظر ظاهري یک بند و وبستگي به بدن حيوان دارد اما ماهيتش مستقل شده استقلال در ماهيت دارد به اين معنا که خشک شده ديگر ارتباط با پوست ندارد منتها بسته به بدن مثل بسته بودن مو به بدن ادم است در اين صورت که استقلالش بوجود بياید محکوم به طهارت است فرق نمي کند از حيوان زنده گرفته شود و يا از مرده سر مطلب قاعده ما لا تحله الحياه است قاعده مي گوید کل ما لا تحله الحياه فهو طاهر مخصوصا از حيوانات ماکول اللحم اين مي شود ما لا تحله الحياه قسمتي است وابسته به بدن حيوان منتها خشک شده است هيچ گردش خوني انجا وجود ندارد مويدي هم براي فرمايش ايشان اضافه کنيم که گفته مي شود فاره مسک اجزاي دمويه يا ملکولهاي خون ندارد یک ماده اي است شيميائي که خدا افريده در بدن اهو مثل تخم مرغی که در باطن یک مرغ افريده است و

ماده مفيد و خوشبو ربطي به مواد خوني ندارد و بستگي به جسد حيوان اصلا ندارد اين قول هم اهل لغت جاهاي مختلف آورده اند اين حرفي كه ما مي گوييم يا اهل لغت مي گويد اتفاقا يك اظهار نظر بدون اهليت است گفته ايم اين گونه موضوعات نياز به يك ازمایش علمي دارد از لحاظ فقهي اهل خبره لغت مي گويد يا نمي گويد ما مي گوييم اصلش خون است اصلش خون نيست شك و ترديد بايد به خبره مراجعه شود يك ازمایش علمي مختصر بعد مطلب را اعلام بکند فرمايش ايشان كاملا فهميديم اما ايا تحت قانون ما لا تحله الحياه اين مطلب را مي توانيم جا بنمايم و نتيجه بگيريم كه نياز به بحث دارد